

فرهنگ

فراسیون



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کشورهای مختلف با شکل گوناگون بر حسب رشد اجتماعی خود هر يك، در حدود عقل وامكانات متصدیان امور برای حفظ اجتماع میکوشند .

نه مردم فقط و فقط منتظر معجز نمایی دولت و شهرداری هستند و نه شهرداری تکالیف خود را باخذ عوارض وسد معبر و اجاره دادن پیاپاده رو و فروش زباله منحصر میداند بلکه مردم دخالت و نظارت و مطالبه و بازخواست می کنند و شهرداری اگر پول میگیرد و پروانه میدهد مسئول نتایج آن پروانه است، یعنی اجازه او هو کول شده که شهر نازیبا نباشد، دراما کن عمومی وساختمانهای بزرگ لوازم و احتیاجات نسبی

تأمین گردد، تامردم بر اثر احتیاج بحالت ایستاده به دیوار خیابان و تیر چراغ برق و مدخل خانه‌ها آثار شکایت نگذارند.

دخالق و بررسی شهرداری در نرخ و بهداشت مواد غذایی عمومیت دارد و قوطی دربسته و کیسه نایلن و پاکت پلاستیک مانع نفوذ شهرداری نمیشود و هر نکبتی را با چاپ اتیکت واسم فرنگی یا ریختن در قوطی و پاکت و بسته بندی فریبده به قیمت گران بخورد مردم نمیدهند، شهرداری مسئول تعیین کف و بر است و باید نظارت کند که اساس ساختمانها طبق نقشه و پروانه باشد و اگر شهرداری باین تکالیف قانونی خود عمل کند و صاحبان ساختمانها به حقوق و وظایف خود آشنا باشند این همه خانه بالاتر یا پائین تر از کف و بر خیابان واقع نمیشود.

در شمال شهر از جمله در عباس آباد و یوسف آباد و جاده نظامی و تخت طاوس و خیابان نادر شاه و اغلب این قسمت های نو سامان ساختمانهای به چشم میخورد که شاهد صادق لاقیدی و بیکارگی و بی اطلاعی مأمورین شهرداری محل است.

همان روزیکه رنگ بناریخته میشود یا يك بار آجر خالی می کنند نایب یا سر سپور از دو چرخه پیاده میشود و بیل و کلنگ را ضبط میکند بنا و عماله را بیکار و صاحب کار را به ناحیه و برزن میکشد و باشکال مختلف چوب لای چرخ میگنارد تا حق شهرداری پرداخته شود، تا آن وقت همه چیز برخلاف قانون است همینکه حق و حساب شهرداری رسید و قبض صادر گردید همه چیز تطهیر میشود، دیگر شهرداری کاری ندارد، کف و بر را یا خودش غلط داده یا صاحب کار غلط بنا نهاده، دیگر نه نایب می آید نه اداره ساختمان نظارتی دارد، همه کار و همه چیز به غلط یا صحیح پیش میرود تا موقع فروش و نقل و انتقال که دوباره انجام وظیفه شروع میشود و عوارض میخواهند عوارض بالکن میگیرند، ولی اگر بالکن را غلط ساختند و روی سر مردم خراب شد شهرداری بعقیده خودش مسئول نیست برای اینکه شهرداری باینکارها کاری ندارد.

کسیکه پروانه جوشکاری گرفته تعلیمات لازم ندیده و از هیچ مرجعی گواهی صلاحیت اشتغال به جوشکاری ندارد و قتیکه بعلتی از علل مخزن گاز منفجر میشود يك يا چند نفره جروح و کشته میشوند یکی را به بیمارستان و دیگری را بگورستان می برند روزنامه‌ها خبر واقعه را درج می کنند شهرداری نه حس مسئولیت نه فکر احترام از نظائر را نشان میدهد.

لاستيك اتومبیل را باد می کنند متصدی پروانه دارد ولی نه حساب میداند نه اندازه می فهمد، نه کسی باو چیزی یاد داده یا از او چیزی پرسیده است در اثر عدم تناسب باد لاستیک، لاستیک می ترسد اتومبیل بدون اینکه راننده اش تقصیری داشته باشد از جاده منحرف می شود با یکی دو اتومبیل بی تقصیر دیگر تصادم میکند. و يك عده مردمیکه خیال می کنند شهرداری بی خود پروانه نداده است گرفتار میشوند ولی شهرداری خیال می کند با گرفتن پول و دادن جواز واقعا انجام وظیفه کرده است.

مشدی قلی دیگر آشنیزی نمیکند تازگی گاراژ باز کرده تعمیر گاه دارد پروانه هم گرفته است چون پیراهن او و شاگردانش چرب و کثیف است همگی خبره هستند، ماشین را از رادیاتور تا اگزوست بازمی کنند فهمیده و نفهمیده بعضی چیزها را عوض می کنند بالاخره دیر یا زود ماشین راه میافتد ارز کشور پول و وقت صاحب ماشین اهیتی ندارد ولی اگر فرمان را باز کرد و درست نیست، اگر در بستن چرخها که ساده ترین کار است يك چیزی را فراموش کرد، اگر در اثر این سهل انگاری ها عناصر فرماندهی و عوامل آمره اتومبیل کار نکرد و چند نفر کشته شدند کسی مسئول آن نیست، پروانه دارد شهرداری هم برای صدور پروانه پول میگیرد و چربی و کثافت لباس را بمنزله مدرک فنی می پذیرد تا امروز هم هیچ کارشناسی هیچ دادگاهی هیچ مرجعی هیچ يك از حوادث راناشی از ناشیگری این متخصصین قارچ صفت که به قیمت

جان و مال مردم از خر کولی نعلبندی یاد میگیرند ندانسته و هیچ کسی شهرداری را بعنوان مسبب تعقیب نموده است.

اگر دیدید در خیابان لاله‌زار، اسلامبول، فردوسی، شاه و نقاط مرکزی شهر بوی لجن می‌آید! اگر دیدید چاله و گودال‌های لوله‌کشی و مسیرسیم‌برق و تلفن را پر نکرده‌اند پای کسی شکست یا اتومبیل شما صدمه دید ناراحت نشوید! اگر دیدید در این خیابانها دوسه نفر فرنگی از بامیه فروش از بادیه آب‌آلو از تغاردوخی از آلوبالو خیس کرده از شاه توتی و از انواع خوراکیها که تحت نظر شهرداری طبق اصول بهداشت! عرضه میشود عکس بر میدارد. از اینکه جلب سیاح شده است خوشحال شوید. اگر بخواهیم نقاشی کنیم برای نقاش ساختمان یک دست لباس رنگی و یک سطل و یک قلم مو کافیست، مقداری پول میدهیم یا وسطل و قلم مو را می‌گذاریم و رنگ بخرد! اگر بر گشت مقداری رنگ را قاطی میکند بدر و دیوار می‌مالد عصر هم پول می‌خواهد خوب یا بد درست یا غلط کار کرده است یا باید هر کثافتی بدیوار مالیده بجای رنگ دلخواه پذیرفت یا باید خر آورد و معر که بار کرده هیچ کدام هم برای صاحب کار نتیجه مفید ندارد غیر از اینکه بشهرداری دعا کند و دنبال نقاش دیگر بگردد.

برای لباس شوئی همین کافیست که میناس یا قاراپط یک دستگای داشته باشد که دقیقه بدقیقه صدا کند و بخاز از لوله بیرون بفرستد این علامت تخصص لباس شوئی است حالا اگر لباس مشکی را دادید دودی شد سبز دادید زرد پس گرفتید پارچه جمع شد کوتاه شد خراب شد یا بطور کلی سوخت و آتش گرفت یا بسرقت رفت هر کاری میخواهید بکنید مختارید ولی کم و زیاد شدن، سیر یا روشن شدن رنگ، تنگ یا گشاد شدن لباس، کوچک یا بزرگ شدن لکه‌ها هیچ ربطی به اجرت ندارد اجرت را در هر حال باید پردازید زیرا هم کاسب است هم پروانه دارد. اگر کار بلد نیست اگر

لباسهای مردم را بیمه نکرده است شهرداری چه تقصیری دارد، شهرداری پول میگیرد جواز صادر می کند .

برای سیم کشی برق يك فنر لازم است يك انبردست يك چکش و يك آچار اگر سیم کشی غلط باشد اگر در اثر ناز کی وعدم تناسب سیم خانه آتش گرفت تکلیف شهرداری این است که در حد امکان حریق را خاموش کند و اگر نتوانست خانه را خراب می کند تا از سرایت بدیگران جلوگیری شود از شهرداری هیچ توقع دیگر نباید داشت .

برای ساعت سازی يك مغازه يك ميز چندتا ساعت دیواری و مقداری ساعت جیبی و مچی کفایت می کند این بساط را هر کس داشته باشد ساعت ساز است شما را می گیرد خراب می کند فردا که رفتید یکی دو مرتبه تکان می دهد تقدیم می کند اجرت را می پردازید چند قدم که رفتید ساعت یا می ایستد یا جلومی رود یا عقب می ماند آن اجرت دیگر از جیب شما رفته است باید شکر کنید که جنازه ساعت باقیست راه اساسی و اقدام عقلی این است که يك ساعت دیگر تهیه کنید و گر نه پشیمان خواهید شد به شهرداری هم کار نداشته باشید جوازی که شهرداری داده پروانه کسب است این هم يك نوع کاسبی است .

این نصایح مرا بپذیرید تا از لحاظ روانی صدمه نخورید . شما که دوهزار و پانصد سال صبر کرده اید چرا حالا عجله کنید بالاخره يك روزی يك مقام و مرجعی مسئولیت تعلیم و تجویز این مشاغل را بعهده میگیرد و هر چیزی بجای خود و هر کسی بکار خود قرار خواهد گرفت .

اگر دیدید در خیابان پهلوی نزدیک سینما امپایر یا پشت سفارت انگلیس یا جلوی اداره شهر بانی و اقامت اتباع بیگانه انبار زباله توده شده و مردم انواع کثافات را از هم جدا میکنند، یکی کاغذ جمع می کند، یکی آهن ، یکی لاستیک ، یکی

پلاستیک و بچه‌های ولگرد از لای خاک و به‌ها خوراکی پیدا میکنند و می‌خورند خیال نکنید که نزد بیگانگان مایه آبرو ریزی شهر تهران و مردم تهران است. کسیکه این حرف‌ها را بزند یا غرض دارد یا مرض، شما غصه نخورید عصبانی نشوید جوش نخورید نگوئید ننویسید شاید شهرداری برای جلب سیاحان این صحنه‌های شرقی را ضروری بداند.

اگر رستوران پس مانده کباب شنبه را در کتلت یکشنبه و کتلت یکشنبه را در دلمه دوشنبه و دلمه دوشنبه را در رولت سه‌شنبه و رولت سه‌شنبه را در کوفته چهارشنبه و بالاخره آش پنج‌شنبه مصرف می‌کند از اسهال و مسمومیت نترسد این آمار روز افزون مسمومین از خوراکیها نیست همگی در عشق شکست خورده و از طریقه دفع آفات نباتی و حیوانی استفاده کرده‌اند.

اگر فلان هتل سی‌چهل جور غذا صورت می‌دهد فکر نکنید که این بیچاره چطور این همه غذاتپیه کرده است مواد اولیه محدود و اسم و عنوان نامحدود است و اگر سری به مطبخ بزنید خواهید دید که يك قدری آب‌جوش، نیم‌ورق ژلاتین، يك قاشق پودر سیب‌زمینی، يك قاشق رب‌گوجه‌فرنگی، کمی فلفل و نمک را قاطی میکند فوراً سوپ‌تمات آماده میشود بعضی از اینها که در هتل و رستوران و سوپرمارکت حضور مبارک تقدیم میشود کاریکاتور غذا و شربت و مربا است و خوردن ساخارین و ژلاتین و انواع ماست و پنیر و شیرینی و ترشی خانگی که در لوای پروانه شهرداری بشما می‌فروشند در خانه سکینه خانم تحت نظر ننه‌بابه و کارگرانی که از تراخم وسل و سیفیلیس و انواع امراض ساریه مصون و فارغانند با ماشینهای آخرین مدل طبیعی تپیه و بسته‌بندی میشود و از برکت وجود شهرداری می‌توانید با خیال راحت تمام محصولات خانگی را در کوچه و بازار بخرید تا هیچ‌وقت مغبون و مریض نشوید، از شك و بدبینی احتراز کنید هرچه را با سوء نیت بشما میدهند با

حسن نیت بپذیرید تا اعصاب شما سالم بماند .

اگر دیدید شهرداری نقشه اراضی شعاع شهر را پیاده و خیابانها و کف و بر را معلوم نمیکند و بولدوزر و غلطک و وسائل شهرداری بدون برنامه معین و متوالی هر چند روز و هر چند ساعت در نقاط مختلف حریم خانه این و آن را تسطیح میکند هیچ فکر غلط بخود راه ندهید، بولدوزر و غلطک باید جائی کار کند که خوش آب و هوا باشد و آب و هوا هم با مقام و موقعیت نقل مکان میکند بعلاوه اگر کف و بر و سطوح معابر معین شد مردم میسازند و آباد می کنند در صورتی که زمین بیاض برای شهرداری مثل گاو شیرده است و از این اراضی نساخته موقع معامله عوارض وصول میشود، شهرداری از یکطرف ممر عوارض را حفظ می کند از طرف دیگر مردم خودشان بتدریج با وسائل شخصی کوچه و خیابان را تسطیح می کنند و موقع صورت وضعیت کارها در واقع کوه را فرهاد کننده است لعل را شیرین می برد . خوشبختانه در وصول عوارض هم سردفتران که از این روش شهرداری زیان و عدم النفع دارند برای شهرداری نو کر بی جیره مواجب هستند حق الزحمه و سهمیه دفتر یاران را هم در شهرداری به چاه ویل انداخته اند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی